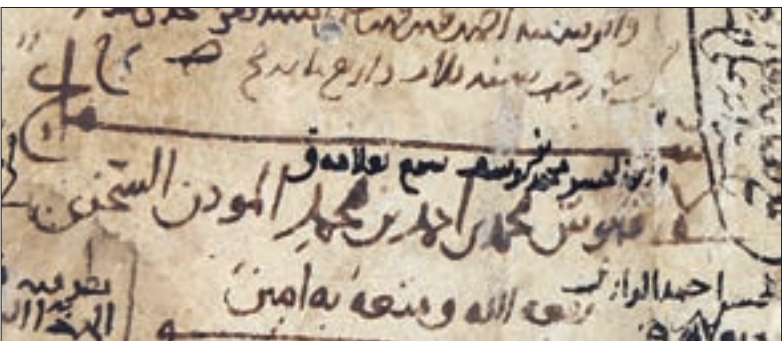
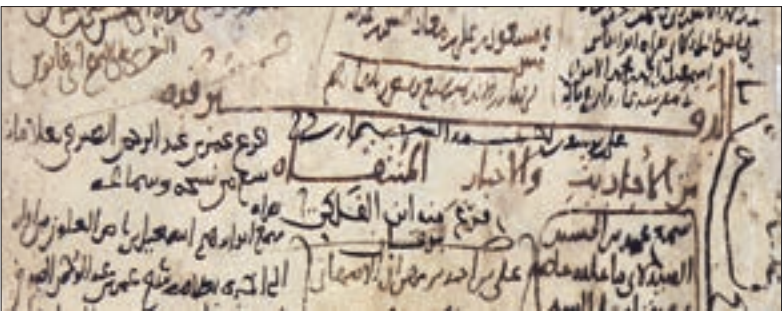


ماجرای یک نسخه خطی کهن حدیثی که ۱۰۰۰سال پیش در نوقان مکتوب شده است

راز ماندگار «نوقان» در لابه‌لای اوراق



امید حسینی‌نژاد در روزگاران شکوه تمدن اسلامی. اقلیم پهناور خراسان تنها یک گستره جغرافیایی نبود، بلکه آسمانی پر فروغ از دانش بود که ستارگانش در شهرهایی چون نیشابور، بخارا، مرو، سمرقند و بیهق می درخشیدند. این دیار منزلگاه امنی برای تدریس و مباحثه علوم اسلامی به شمار می‌رفت اما در میان تمام این کانون‌های علمی، مدرسه حدیثی نیشابور نگینی بود که بیش از دیگر همتایان خراسانی خود در صفحات تاریخ درخشیده است. امروز برای درک پیوندهای پنهان و پویایی این مدارس کهن، نیازمند شواهدی از دل تاریخ هستیم. یکی از این شواهد بی‌ظنیر، در تاریک و روشن مخازن کتابخانه آستان قدس رضوی نفس می‌کشد: نسخه‌ای کهن و نفیس از یک «امالی» حدیثی به شماره ۱۵۰۶۱ که متعلق به قرن چهارم هجری قمری است و پرده و پرده از رازهای مکتوم مدرسه حدیثی خراسان، به‌ویژه پیوند میان بخارا و نوقان، برمی‌دارد.



بخشی از برگ نخست امالی حدیثی شماره ۱۵۰۶۱

نسخه‌ای در مسیر طابران و نوقان این کتاب کهن سال، سفری دراز و پرماجراراپشت سر گذشته است. نطفه این نسخه در ماه صفر سال ۳۶۶قمری در شهر بخارا بسته شد؛ جایی که کلمات آن از زبان استاد املاگردید. اما اوراق این نسخه گواهی می‌دهند که توقف آن در بخارادربری نپاییده است. براساس اجازه‌های شماعی که بر پیکره این خطوط نقش بسته، این اوراق پس از مدت کوتاهی بار سفر بسته، مرزهارا درنوردیده و به نیشابوررسیده است تا در محضر مشایخ بزرگ آن دیار، بارها و بارها خوانده و شنیده شود. پس از آن نیز مسیر خود را به سوی طابران و نوقان ادامه داده است.

فاصله زمانی میان املا ی کتاب در بخارا تا نخستین نشست سماع آن در نیشابور، تنها حدود نوزده سال است؛ فاصله‌ای پس اندک در دنیای بی شتاب هزار سال پیش که خود نشان از سرعت حیرت‌انگیز انتقال نسخه‌های علمی از بخارا به نیشابور و سپس نوقان دارد. اصل این اوراق در حقیقت متعلق به مردی است به نام «ابی قابوس محمد بن احمد بن محمد مؤذن سجزی»، او که با وسواسی عالمانه، دارایی ارزشمند خود را ورق به ورق یاس داشته است، در جای جای این نسخه یادگارهایی از خود به جا گذاشته و «بلاغ‌ها (نشانه‌های پایان خوانش) را با خط خویش بر آن نقش کرده است.

● نوقان یا نوغان؟

یکی از شگرف‌ترین دستاوردهای این نسخه، گرہگشایی از نام کهن دیاری است که امروز آن را می‌شناسیم. این اوراق، قدیمی‌ترین سند تاریخی و زنده درباره «نوقان» است. در روزگار ما، نام این خطه با حرف «غین» (نوغان) نوشته می‌شود و بسیاری با استناد به برخی منابع تاریخی، همین شکل را صحیح می‌پندارند ولی با خیره‌شدن به خطوط این دست‌نویس که در دل قرن چهارم قمری کنایت شده، حقیقت دیگری عیان می‌شود؛ در آن دوران طلایی، شکل اصیل و صحیح نام این محدوده با حرف قاف، یعنی «نوقان» بوده است. ناگفته نماند، جغرافی‌دانان بزرگ تاریخ نیز بر این اصالت گواهی داده‌اند. ابن خلکان در کتاب وفیات الأعیان تصویر این دیار را چنین رسم می‌کند: «طوس ناحیه‌ای است در خراسان مشتمل بر دو شهر یکی طابران و دیگری نوقان که دارای هزار قریه بوده است.»

یاقوت حموی نیز در نیمه اول قرن هفتم هجری، طوس را این‌گونه روایت کرده‌است: «طوس شهری است در خراسان که فاصله میان آن و نیشابور

ده فرسخ می‌باشد و مشتمل است بر دو شهر (طابران و نوقان). نوقان یکی از آن دو شهر است که دارالملک طوس را تشکیل می‌داده است و برای این دو شهر بیشتر از هزار قریه هست، طوس در زمان عثمان بن عفان فتح شده و در این شهر است قبر علی بن موسی الرضا و قبر هارون الرشید.»

برای درک بهتر این جغرافیای تاریخی، کافی است به نقشه‌های کهن نگاهی بیندازیم. در بریده‌ای از نقشه «خراسان» مندرج در کتاب صورة الارض، تألیف ابن حوقل (که در سال‌های پس از ۳۶۷ هجری درگذشت) و در همان قرن چهارم هجری ترسیم شده است، نقاط شاخص خراسان غربی پدیدار است؛ جایی که ناحیه بیهق با شهرهایی

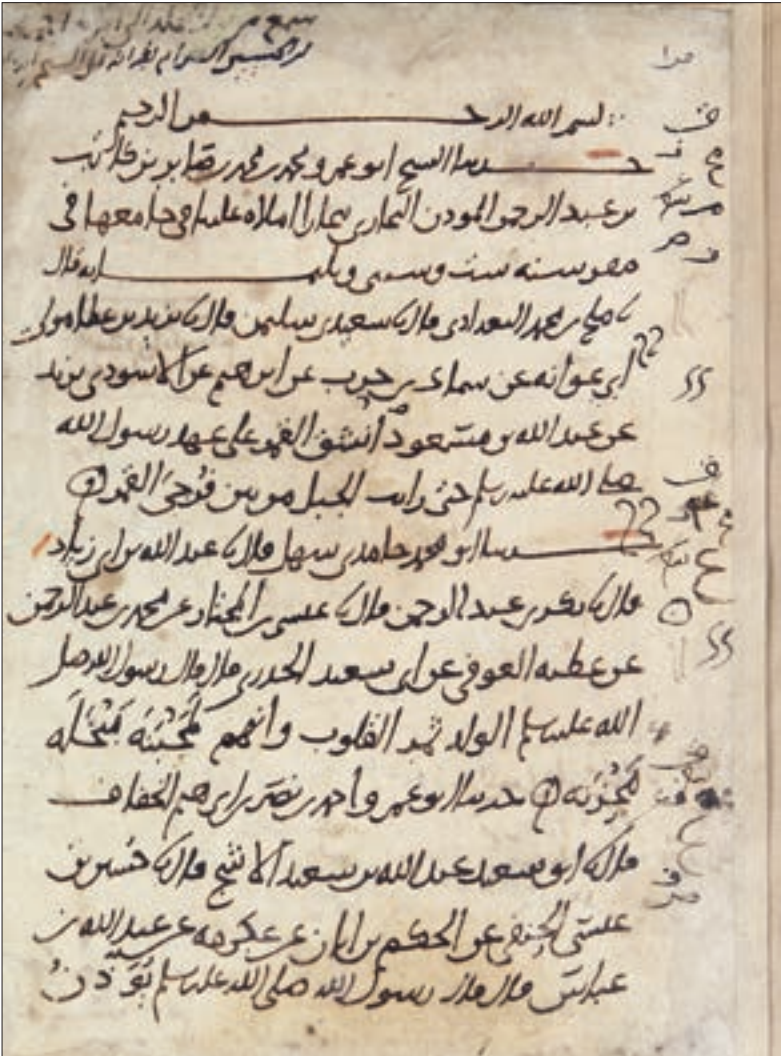


نقشه حدود خراسان در کتاب ابن حوقل

چون سبزوآر، خسروجر، بهمن‌آباد و مزینان، در میانه راه قومی به نیشابور، خودنمایی می‌کنند و بستر این رویداد‌های علمی را به ما نشان می‌دهند.

● از استاد بخارا تا مسافر نیشابور

داستان این نسخه، داستان آدم‌های آن است. ابی‌قابوس المؤذن سجزی، صاحب این اوراق، این احادیث را از زبان شیخ خود در بخارا شنید و ثبت کرد. اما این شیخ چه کسی بوده است؟ نخستین مجلس این امالی در صفر سال ۳۶۶ قمری، از زبان «محمد بن محمد بن صابر بن کاتب بن عبدالرحمن المؤذن ابوبکر البخاری» جاری شد. مردی از خاندانی اصیل، اهل علم و حدیث‌شناس در بخارا که به‌گفته‌ذهبی (در تاریخ



بخشی از برگ دوم امالی حدیثی شماره ۱۵۰۶۱ که در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود

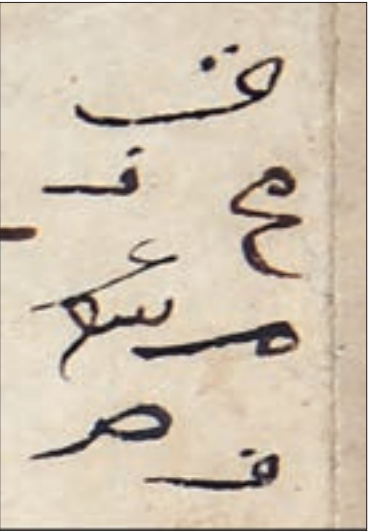
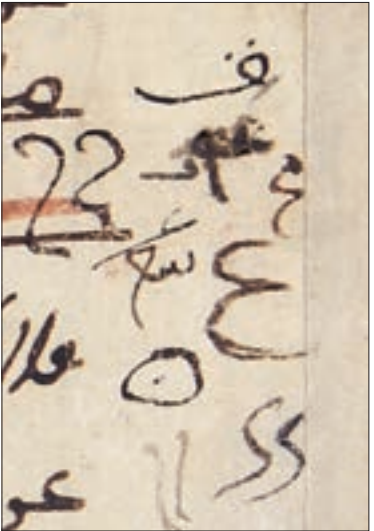
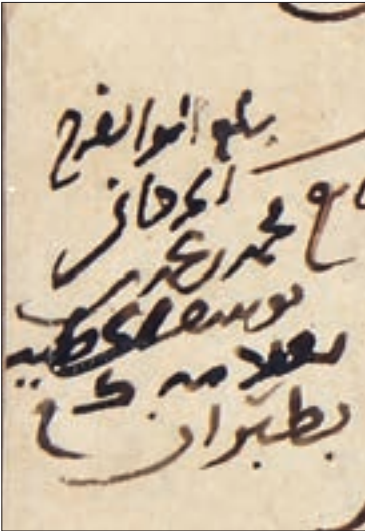
الاسلام، ج ۲، ص ۶۱۷) «مسند بخارا» بود. اگرچه تاریخ ولادت او در غبار زمان گم شده است، اما سماعانی در الانساب (ج ۸، ص ۲۴۵) سال وفاتش را ۳۶۹ قمری و ذهبی در سیر اعلام النبلاء (ج ۱۲، ص ۳۳۶) زمان رحلتش را ۳۷۷ قمری نگاشته‌اند. پدر این استاد، محمد بن صابر نیز خود از استوانه‌های حدیثی بخارا به شمار می‌رفت. ذهبی درباره پدر او می‌نویسد: «محمد بن صابر بن کاتب، ابوبکر البخاری المؤذن. او از محمد بن الحسین و معاذ بن عبدالله الصرام و جماعتی دیگر حدیث شنید و پسرش محمد، و اسحاق بن محمد بن حمدان الخطیب از او روایت کرده‌اند. (تاریخ الاسلام، ذهبی، ج ۲۴، ص ۲۲۷)»

● گواهی‌های سماع از بخارا تا طابران

برگ نخست این امالی، چونان کتیبه‌ای باستانی، پر از نشانه‌هایی است که مسیر حرکت علم را در آن روزگار ثبت کرده‌اند. بیشتر این نوشته‌ها، اجازه‌نامه‌هایی است که ابی‌قابوس در سالیان پختگی خود به شاگردانش اعطا کرده است. همان‌طور که گفته‌شد، نطفه کلمات در سال ۳۶۶ قمری در بخارا بسته شد، اما کهن‌ترین اجازه سماع ثبت‌شده بر این نسخه، متعلق به سال ۳۸۵ قمری است؛ یعنی درست نوزده سال پس از زوزی که قلم بر کاغذ دودید. پس از آن، اجازه‌نامه دیگری به تاریخ ۳۹۱ قمری در نیشابور بر این اوراق نقش بسته است.

سفر نسخه اما به نیشابور ختم نشد. بخشی از این سماع‌ها در دیار نوقان برگزار شده است و ابی‌قابوس به شاگردان نوقانی خود اجازه روایت داده است. در لابه‌لای صفحات، هر شاگرد با وسواسی خاص، بخش‌هایی را که نزد استاد خوانده با علامت‌های مختص به خود مشخص کرده است. در پایان هر مجلس نیز مهر تأیید استادان پای کار خورده و ابی‌قابوس و «ابی حاتم صانع»، بلاغ (اعلام پایان قرائت) خود را مکتوب کرده‌اند.

در ادامه، دامنه نفوذ این دست‌نویس فراتر از نیشابور و نوقان می‌رود؛ چنان‌که علاوه بر این دو شهر، اجازه‌های شماعی در طوس و طابران نیز بر حاشیه صفحات دیده می‌شود. با نگاهی به تاریخ آخرین سماع‌های ثبت‌شده، پازل زندگی ابی‌قابوس کامل می‌گردد، او سال‌های پایانی، و پریار عمر خویش را در طابران و نوقان سپری می‌کند و سرانجام، بیش از فرا رسیدن سال ۴۲۰ قمری، در همان دیار کهن، سر بر بالین خاک می‌نهد، اما یادگار او، هزار سال بعد هم باقی می‌ماند و پرده از اسرار تاریخ خراسان برمی‌دارد.



علامت بلاغ سماعات امالی حدیثی شماره ۱۵۰۶۱

شهریار

۳شنبه
۲۳ تیرماه ۱۳۹۵
شماره ۳۷۲۰

۱۵



پروژه

تاریخ نگار

انتکاس ادعاهای شوروی بر ایران و ترکیه در روزنامه بر تون آیزرور

مشکلات اولیه برای مجمع ملل متحد



گزارش روزنامه برتون آیزرور از ادعای شوروی بر بخشی از ایران و ترکیه به تاریخ ۳ ژانویه ۱۹۴۶ میلادی

بیات آیزرور (The Observer) به معنی «ناظر» قدیمی‌ترین روزنامه چاپ یکشنبه در جهان است که در پادشاهی متحد بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی به چاپ می‌رسد. چاپ آن از ۱۷۹۱ میلادی آغاز شده تا اینکه در ۱۹۹۳ میلادی به تملک گروه رسانه‌ای گاردین درآمده است. با این حال هیئت تحریریه آن مستقل از روزنامه گاردین است. این روزنامه که پیش‌تر با نام برتون آیزرور نیز نشر می‌یافته در تاریخ ۳ ژانویه ۱۹۴۶ میلادی برابر با ۳ بهمن ۱۳۲۴ خورشیدی گزارشی از ادعاهای شوروی در مورد ایران و ترکیه نوشته است.

اتحاد جماهیر شوروی از مدت‌هایبیش به کنوانسیون مونترو (۱۹۳۶ میلادی) که به ترکیه کنترل کامل حمل‌ونقل بین تنگه بسفر و داردانل را می‌داد، معترض است. از این میان بسفر یک آبراه ضروری برای صادرات روسیه است. پس هنگامی که پیمان دوستی و بی‌طرفی ۱۹۲۵ اتحاد جماهیر شوروی و ترکیه در سال ۱۹۴۵ منقضی می‌شود، طرف شوروی تصمیم می‌گیرد این پیمان را تمدید نکند. وزیر خارجه اتحاد جماهیر شوروی، ویاجسلاو مولوتوف، به ترکان می‌گوید که ادعاهای گرجستانی و ارمنی درباره سرزمین‌های تحت کنترل ترکیه باید قبل از انعقاد یک معاهده جدید حل شود. ظلمرو مورد مناقشه در اطراف قارص و اردهان از سال ۱۸۷۸ تا ۱۹۲۱ میلادی تحت کنترل امپراتوری روسیه بوده و وقتی به ترکیه واگذار شده، اقوام متعلق به جمهوری‌های سوسیالیستی شوروی در آن ساکن بوده‌اند.

از این رو مولوتف استدلال می‌کند اراضی که شوروی در زمان ضعف اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۲۱ واگذار کرده‌است، همانند آنچه در خصوص مرز خود با لهستان و ترکیه انجام داده، مشروعیت ندارند.

موضوع ایران اما متفاوت است. ایران از شهریور ۱۳۲۰ توسط روس‌ها و دیگر نیروهای متفقین اشغال شده است و بحث تجزیه محسوس یا نامحسوس ایران در سال‌های پایانی اشغال ایران در جنگ جهانی دوم و هم‌زمان با پیشروی‌های شوروی در آذربایجان و دیگر نقاط ایران، به بحث داغ محافل سیاسی بریتانیا تبدیل شده است.

پس از اتمام جنگ، نیروهای آمریکایی و انگلیسی بر طبق قرار قبلی با حکومت ایران، خاک کشور را ترک می‌کنند، اما قوای روس از تعهد خود سرباز می‌زنند. درگیری و کشمکش اصلی این بار بر سر تجزیه آذربایجان و مسئله نفت شمال است. محمدرضا پهلوی که پس از پدر، زمام امور را در دست گرفته، نمی‌تواند با سیاست‌های خود دولت شوروی را قانع و از خاک کشور بیرون کند. در این میان احمد قوام، که از زمان احمدشاه قاجار در این عرصه همواره حضوری پررنگ داشته، نخست‌وزیر ایران می‌شود و فروردین ۱۳۲۵ می‌تواند با قراردادی که به نام «قوام، ساد، چیگف» مشهور است، نیروهای شوروی را از خاک ایران بیرون کند. مسائل قری برای انگلیسی‌ها خیلی مهم است از این جهت نشریه آیزرور در ۳ بهمن ۱۳۲۴ خورشیدی با پرداختن به نشست وزرای خارجه شوروی، آمریکا و بریتانیا، گزارشی از ادعاهای خطرناک شوروی درباره ایران و ترکیه می‌نویسد که اصل آن در ادامه آمده است:

واکنش‌ها به نشست‌های مسکو که با حضور [ویاجسلاو] مولوتوف، [جیمز فرانسیس] بیزن و ارنست بوین برگزار شد، گوناگون بوده است. در ابتدا چنین به نظر می‌رسید که افکار عمومی در سه کشور [شوروی، آمریکا و بریتانیا] مربوطه از نتایج به‌دست‌آمده و بیانیه منتشرشده بسیار راضی است. آقای برنز حتی تا آنجا پیش رفت که تأکید کرد هیچ توافق مخفیانه‌ای صورت نگرفته است؛ به بیان دیگر، هرچه مورد بحث قرار گرفته در بیانیه آمده است.

با این حال، به‌زودی اشاره شد که مسائل بسیار فوری مربوط به ایران و همچنین ادعاهای شوروی درباره ترکیه نادیده گرفته شده‌اند. با توجه به اظهارات آقای برنز، چنین فرض شد که این موضوع‌ها به بحث گذاشته نشده‌اند.

اما به‌ناگهی و در شرایطی که باید دانست هیچ فرصتی برای ارنست بوین وجود نداشت تا گزارشی به پارلمان ارائه دهد یا درباره مذاکرات مورد سؤال قرار گیرد، گفته شده است که بریتانیا و آمریکا هر دو پیشنهادهایی درباره ایران به مولوتوف ارائه کرده‌اند. همه چیز چنان به نظر می‌رسید که توافقی در شرف حاصل شدن است. اما ناگهان و بدون هشدار، به آقای برنز و آقای بوین اطلاع داده شد که اتحاد شوروی آمادگی ادامه مذاکرات را ندارد. احتمالاً به همین دلیل و در نبود هرگونه توافق، موضوع ایران اصلاً در بیانیه رسمی انعکاس نیافت.

کل وضعیت در ایران بسیار پیچیده است و صرف این واقعیت که خواستار تغییر حکومت شده‌اند، به تنهایی موضوعی نیست که ما خود به خود با آن مخالفت کنیم. ما، همراه با ایالات متحده و تا اندازه‌ای با روسیه شوروی، منافع جدی در ایران داریم، اما نمی‌توانیم از اصلی که بارها تکرار شده است- یعنی اینکه اداره کشور مسئولیت داخلی خود مردم است- عدول کنیم.

این واقعیت که ایالات متحده و ما مخالف دیدگاه شوروی درباره ایران به نظر می‌رسیم، به این گمانه دامن می‌زند که یا ما مظنونیم شوروی در امور داخلی ایران دخالت می‌کند، یا اینکه شوروی به قدرت‌های غربی بدگمان است. بنابراین، در حال حاضر وضعیت چنین است که نیروهای آمریکا تا اول ژانویه از ایران خارج شده‌اند و آقای مولوتوف بار دیگر اطمینان داده است که نیروهای شوروی خارج خواهند شد. همان‌طور که احتمالاً نیروهای بریتانیا نیز مطابق تاریخ از پیش تعیین‌شده، یعنی دوم مارس، خارج خواهند شد.

در همین حال، به نظر می‌رسد که تغییر اساسی‌ای در ترکیب دولت ایران رخ خواهد داد و اینکه آن بخش از ایران که دچار ناآرامی بوده (آذربایجان)، احتمالاً برخی اختیارات خودگردان در چارچوب حاکمیت ایران دریافت خواهد کرد.

از ایران تا ترکیه فاصله زیادی نیست و تحولات آنجا نیز با دقت فراوان دنبال می‌شود. ادعاهای اخیر روسیه درباره ترکیه علناً مطرح شده و چندان شگفت‌آور نبود که افکار عمومی ترکیه- و حداقل در برخی محافل- واکنشی سخت و مقاوم نشان دهد.

● هنوز کارهای بسیاری باقی‌مانده است

بنابراین، اگرچه مذاکرات مسکو کمک زیادی به روشن شدن فضا میان سه متحد اصلی کرد، اما پرسش‌های باقی‌مانده چنان ماهیتی دارند که می‌توانند تهدیدی جدی ایجاد کنند. تا آنجا که به ایران مربوط می‌شود، ممکن است موضوع به‌طور کامل به مجمع سازمان ملل متحد که پنجشنبه آینده در لندن گشایش می‌یابد، ارجاع شود. نمایندگان بیش از پنجاه کشور طی هفته گذشته وارد لندن شده‌اند و قرار است در ۹ ژانویه در یک ضیافت رسمی در کاخ سنت جیمز که به میزبانی پادشاه برگزار می‌شود، استقبال شوند.

در رأس سازمان ملل متحد «پنج قدرت بزرگ» قرار دارند: بریتانیا، چین، ایالات متحده، روسیه، شوروی و فرانسه. این کشورها دارای کرسی‌های دائمی در شورای امنیت خواهند بود و هر دو سال، نمایندگان شش کشور دیگر نیز انتخاب می‌شوند. مجمع کارنامه‌ای بسیار سنگین برای رسیدگی خواهد داشت و هم‌زمان با نشست‌های آن، امید می‌رود که جلساتی نیز در لندن با حضور رؤسای نیروهای نظامی پنج قدرت بزرگ برگزار شود؛ کسانی که مسئولیت تهیه طرحی برای «نیروی پلیس» را برعهده خواهند داشت؛ نیرویی که باید در اختیار سازمان ملل قرار گیرد تا نظم و قانون حفظ شود.

منبع کانال آرشیو بزرگ نشریات ایران

این متن با کمک هوش مصنوعی به زبان فارسی برگردانده شده است و می‌تواند اشکالاتی داشته باشد!